

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٤٧٥٧ ✓



دانشگاه باقر العلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

روشنفکری دینی، از اسلام گرایی تا
سکولاریزم اسلامی با تأکید بر آراء

(مهندس بازرگان، دکتر سروش و مجتهد شبستری)

استاد راهنما:

دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

دکتر نجف لکزایی

نگارش:

رضا جنت

۱۳۸۵

۱۰۴۷۵۷

مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مرکزی

۱۳۸۷/۳/۲۳



دانشگاه باقر العلوم
(میرداس - نرسس)

بسم الله

تاریخ:
شماره:
پست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه
محترم آقای محمد حسین دانشجوی رشته علوم پایه گرایش در مقطع ارشد
تحت عنوان پروفسور دینچه از اسلام گران تا سکولاریم اسلامی با تاکید بر آراء مازنگان سروش مهندس سیری
در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور هیأت داوران دانشگاه باقر العلوم (ع) برگزار گردید. نظر هیأت داوران به
شرح زیر اعلام می گردد:

قبول با امتیاز عالی دفاع مجدد غیر قابل قبول

نمره ۱۸/۹۸

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
(۱) استاد راهنما	دکتر منصور میر احمدی		
(۲) استاد مشاور (۱)	دکتر نهجت لک زایی		
(۳) استاد مشاور (۲)	دکتر سید محمد تقی آل غفوری		
(۴) استاد ناظر	دکتر میر موسوی		
(۵) نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی			

نام و امضای
مسئول امور پایان نامه ها

نام و امضای
مدیر برنامه ریزی و خدمات آموزشی
صا بطاير

توضیح: با توجه به آیین نامه پایان نامه های دانشگاه امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص می گردد:

الف) کارشناسی	ب) کارشناسی ارشد
۱- نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی	۱- نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی
۲- نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب	۲- نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب
۳- نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب	۳- نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب
۴- نمره ۱۰ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول	۴- نمره ۱۲ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول
۵- نمره کمتر از ۱۰ غیر قابل قبول	۵- نمره کمتر از ۱۲ غیر قابل قبول

محاسبه میانگین ارزشیابی اعضای هیأت داوران توسط نماینده شورای پژوهشی انجام می گیرد.

تقدیم به :

پدر و مادرم که همیشه مدیون

دعای خیرشان هستم.

تشکر و قدردانی

این تحقیق حاصل مساعدت و همکاری عزیزان علم دوست و علم پروری است که اینجانب را در این امر یاری نموده‌اند. به ویژه از استاد راهنما جناب آقای دکتر میراحمدی و استاد مشاور جناب آقای دکتر لکزایی تشکر و قدردانی می‌نمایم. از جناب آقای احمدرضا طاهری‌پور که در انتخاب عنوان پایان نامه مرا یاری نموده‌اند کمال تشکر را دارم. از همه کسانی که با در اختیار قرار دادن منابع مرا مساعدت نمودند، از جمله، دست اندر کاران کتابخانه دانشگاه باقر العلوم (ع) و جناب آقای سید علی نوربخش که در گردآوری منابع اینترنتی مرا یاری نمودند تشکر و سپاس‌گذاری می‌نمایم.

چکیده

پژوهش پیش رو جستار و کوششی است در جهت بررسی و تبیین این مسأله که اصولاً چرا جریان غالب روشنفکری دینی در ایران معاصر در طی یک پروسه زمانی و تجربه حکومت دینی به تدریج از مبانی اولیه خویش که همانا پیوند دین با سیاست بوده است، عدول می‌کند و به نظریه جدایی دین از صحنه سیاسی و حکومت می‌رسد. این پژوهش با تأکید بر آراء و نظرات سه تن از شاخص‌های اصلی این جریان در ایران یعنی (مهندس بازرگان، دکتر عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری) سعی در اثبات این چرخش ابتدائاً برآمده و با بررسی شرایط زمان و ورود به عصر مدرنیسم و درگیری جریان‌های فکری معاصر با شیوه‌ها و متدهای جدید و رایج در تحلیل‌ها و رویدادهای عصر مدرن به این مطلب می‌رسد که اصولاً تطور اندیشه‌ها و آشنایی با کلام جدید و روش‌های جدید از قبیل هرمنوتیک - تکثر یا پلورالیسم - سکولاریسم و ارائه برداشتی علمی از دین و نیز عدم هماهنگی برداشت آرمان‌گرایانه روشنفکران دینی از حکومت دینی با تجربه حکومت دینی در ایران پس از انقلاب اسلامی از مهم‌ترین ادله چرخش تئوریک نزد روشنفکری دینی ایران پس از انقلاب بوده و ورود به این گونه مباحث وارداتی با توجه به عصر ارتباطات و سهل‌الوصول بودن اطلاعات و اندیشه‌های روز دنیا به سرعت در تطور اندیشه افزوده است. اندیشه‌های سکولار و به تبع آن سکولاریزم اسلامی می‌کوشند تا با برداشت دینی از متون مقدس جدایی دین و سیاست و عدم کارایی دین در عرصه اجتماعات را از خود متون دینی اثبات کنند. روشنفکر دینی نیز با محوریت قرار دادن عنصر عقلانیت در مقایسه با عناصری هم چون وحی و دین سعی می‌کند دین را در پاسخگویی به مسائل مستحدثه اجتماعی صامت فرض کرده و اصولاً آن را ناکارآمد در پاسخگویی جلوه دهد و دین را امری فردی معرفی کند.

استفاده از نظرات مهندس بازرگان علی‌الخصوص در ارتباط با مسأله ارتباط دین با سیاست به دلیل موقعیت منحصر به فرد ایشان حائز اهمیت است. چرا که ایشان هر دو دوره قبل و بعد از حکومت دینی را تجربه کرده و در هر دو دوره از زمره فعالان سیاسی و نیز تئوری‌پرداز در این خصوص بوده است. وی که آثارش هم در قبل و بعد از پیروزی انقلاب به صورت مدون موجود است و عملاً به عنوان یک شخصیت سیاسی در حکومت

دینی کار سیاسی به معنای خاص آن انجام داده است، نمونه خوبی از چرخش در نظریه و مبانی تئوریک در خصوص ارتباط دین با سیاست می باشد. تحقیق پیش رو گرچه به تمامی مستندات نزد این گروه از روشنفکر دینی در ایران اشاره نکرده است ولی سعی در ارائه ادله ای که این مدعا را پوشش دهد نموده است و در جهت ترسیم این چرخش تمامی سعی خویش را نموده است.

فهرست مطالب

- ۱..... مقدمه: طرح تحقیق
- ۲..... (۱ طرح موضوع: (Subject Matter)
- ۴..... (۲ دلیل انتخاب موضوع
- ۵..... (۳ نقد متون
- ۶..... (۴ سؤال اصلی تحقیق
- ۶..... (۵ سؤالات فرعی
- ۶..... (۶ مفروضات پژوهش
- ۶..... (۷ فرضیه اصلی پژوهش
- ۷..... (۸ مفاهیم
- ۸..... (۹ روش تحقیق (Research Methode)
- ۸..... (۱۰ سازماندهی تحقیق (Organization Of Research)
- ۱۰..... فصل اول: روشفکری دینی و شاخص‌های آن
- ۱۱..... مقدمه:
- ۱۱..... الف) مفهوم روشفکری
- ۱۵..... ب) روشفکری دینی
- ۱۸..... روشفکری از نظر سروش
- ۱۹..... روشفکری از نظر شریعتی

۲۱.....	وظایف روشنفکری و مسئولیت او.....
۲۳.....	روشنفکری دینی از نظر سروش.....
۲۵.....	مشخصات روشنفکر دینی از نظر سروش.....
۲۵.....	۱- عشق به علم، فکر و هنر.....
۲۵.....	۲- هجرت فکری.....
۲۵.....	۳- درد دین داشتن.....
۲۶.....	۴- درد توانایی و خلوص داشتن.....
۲۷.....	روشنفکری دینی و اندیشه‌های جدید.....
۲۷.....	۱. اندیشه دینی و قرائت‌پذیری.....
۲۹.....	ترویج ایده «قرائت‌پذیری دین» در ایران.....
۳۰.....	۲. هرمنوتیک: اندیشه‌ای جدید در داوری و برداشت‌های دینی.....
۳۱.....	جمع‌بندی و خلاصه فصل.....
۳۳.....	فصل دوم: رابطه دین و سیاست از دیدگاه روشنفکران دینی قبل از انقلاب.....
۳۴.....	مقدمه.....
۳۴.....	الف) رابطه و نسبت سنجی دو مقوله دین و سیاست در اندیشه معاصر.....
۳۶.....	ب) مفهوم سکولاریزم و نسبت آن با دین اسلام.....
۳۶.....	تعریف سکولاریسم.....
۳۸.....	پیشینه سکولاریزم در اسلام و ایران.....
۳۹.....	ایران و سکولاریزم.....
۴۷.....	جمع‌بندی و خلاصه فصل:.....
۴۹.....	فصل سوم: رابطه دین و سیاست از دیدگاه روشنفکران دینی بعد از انقلاب.....
۵۰.....	مقدمه.....
۵۳.....	اهمیت دوران انقلاب.....
۵۴.....	مهندس مهدی بازرگان (آراء و نظریات پس از انقلاب).....
۵۸.....	دکتر عبدالکریم سروش.....

۶۱	نظریه سیاسی
۶۳	لیبرالیسم از منظر سروش
۶۴	مؤلفه‌های دیگر اندیشه سیاسی - دینی سروش
۶۴	الف) ایدئولوژی زدایی و نفی جامعه آرمانی
۶۵	ب) دین از منظر سروش (دین حداکثری و دین حداقلی)
۶۵	پ) دین رسمی یا ایدئولوژیک و متولیان رسمی آن
۶۶	رابطه دین و سیاست
۶۸	زندگی‌نامه محمد مجتهد شبستری
۶۹	تفسیر دین آری، تولیت بر دین نه
۷۲	فهم متون دینی
۷۳	دخالت دین در حکومت و نسبت عقل با این مسأله
۷۵	جمع‌بندی و خلاصه فصل
۷۷	فصل چهارم: چرخش تئوریک روشنفکری دینی
۷۸	مقدمه
۷۸	۱) دین امری قدسی است و نباید با امور دنیوی تخریب شود
۷۹	۲) اختلاف در منظر منجر به اختلاف در نظریه و چرخش از مبانی تئوریک
۸۱	۳) مدرنیسم و بروز اندیشه‌های مدرن
۸۳	۴) ورود عنصر عقلانیت در حوزه دین به طور حداکثری
۸۸	۵) سیر تطور اندیشه سیاسی پس از انقلاب
۹۰	۶) پافشاری بر زبان فقهی در امر سیاست و حکومت
۹۳	نتیجه‌گیری
۱۰۰	منابع و مأخذ

مقدمه

طرح تحقیق

(۱) طرح موضوع: (Subject Matter)

در یک تقسیم بندی کلی جریان‌های فکری سیاسی معاصر را به سه دسته تقسیم نموده‌اند:

رادیکالیزم اسلامی (بنیادگرایی).

سکولاریزم اسلامی

اصلاح طلبی دینی

آنچه که مد نظر این پایان‌نامه است این است که چرا روشنفکری دینی در بعد از انقلاب اسلامی را در هر یک از دسته‌بندی‌های دوم و یا احیاناً سوم قرار داده‌اند. و این که جریان روشنفکری دینی که در گذشته (قبل از انقلاب اسلامی) به شدت به دنبال پیوند دین و سیاست بوده، چرا پس از حصول مقصود در صدد جدایی این مقوله برآمده و این که برخی از روشنفکران دینی از قبیل مجتهد شبستری، سروش و یا بازرگان را در دسته دوم قرار داده‌اند. (سکولاریزم اسلامی) به چه دلیل می‌باشد. و این که چرا امثال این روشنفکران به شدت به دنبال حداقلی کردن دین برآمده‌اند و آن را امری فردی می‌دانند. برای نمونه:

«جهان امروز در حل مشکلات خویش، به راهنمایان و مدیران و کارشناسان و عالمان و فراغت آفرینان، بسی بیشتر از فقیهان و حقوق‌دانان نیاز دارد.»^۱
و یا در جای دیگر:

«با علم فقها نمی‌توان نظام تأسیس کرد، اما می‌توان به برخی پرسش‌ها پاسخ داد.»^۲
اینها نمونه‌هایی از نوع نگاه برداشت نسبت به برخورد دین و سیاست از سوی دو تن از روشنفکران معاصر می‌باشد که البته موارد دیگری در کتب و مجموعه مقالات از این دست به چشم می‌خورد که مثبت مدعای نویسنده می‌باشند.

هدف این پایان‌نامه صرفاً جستاری است در جهت تبیین چرخش در نظریه و عمل جریان روشنفکری دینی معاصر ایران.

متون دال بر اسلام سیاسی در آثار افرادی چون مهندس بازرگان و دیگر روشنفکران

۱- سروش، عبدالکریم، مدارا و مدیریت، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶، صص ۱۹-۵۱۸.

۲- مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو: ۱۳۷۵، ص ۵۲.

دینی معاصر به چشم می‌خورد. برای مثال می‌توان به مرامنامه نهضت آزادی اشاره کرد که در آنجا به صراحت آمده:

«حسن نزیه در جلسه تشکیل نهضت آزادی، مرامنامه این گروه را چنین اعلام کرد:

۱- مسلمانیم... دین را از سیاست جدا نمی‌دانیم... آزادی را به عنوان موهبت اولیه الهی و کسب و حفظ آن را از سنن اسلامی و امتیازات تشیع می‌شناسیم. مسلمانیم به این معنی که... در ۱۳۴۰ تشکیل نهضت آزادی صرفاً هدفی سیاسی - دینی در چارچوب حزبی انقلابی داشت، حرکتی مستقل از فضای سیاسی جامعه آن روز ایرانی داشت.»^۱

بازرگان معتقد بود: «ما حزبی را تأسیس کردیم که مرام و ایدئولوژی خود را از اسلام گرفته و دوستان مخصوصاً جوانان در آن عضو می‌باشند.»^۲

این در حالی است که در سال ۵۷ و با روی کار آمدن مجدد دولت شریف امامی در سال ۵۷، به سراغ اقدامات قانونی پارلمان تارستی رفت و از انقلابیون فاصله گرفت. آن چه اهمیت این موضوع را بیشتر می‌کند چرخش جریان روشنفکری دینی از نظریه و مبنای اولیه تئوریک خود که همانا پیوند دین و سیاست بوده، به سمت سیکولاریزه کردن سیاست.

در واقع جریان‌های موجود در پیش از انقلاب اسلامی به نحله‌های مختلف تقسیم و دسته‌بندی شده‌اند. ولی جریان قالب در نزد روشنفکر دینی پیش از انقلاب جریانی بود که سعی داشت از متون مقدس در جهت منافع اجتماعی بهره‌ای ببرد. جریانات عمده مبتنی بر تفکرات دینی که عمده جریان مربوط به مهندس بازرگان و یاران ایشان در محور آن قرار داشتند؛ دوم جریان «چپ مسلمان» که به لحاظ فکری بیش از همه در مرحوم دکتر شریعتی متجلی بود؛ سوم جریان بخشی از علمای دین بود که حول مسأله مرجعیت، فتاوا و نظریه‌های فقهی، متمرکز بودند و جریان چهارم طرز تفکر مرحوم طباطبایی و شهید مطهری بود؛ پنجم جریان چپ غیرمسلمان بود؛ البته جریان دیگر هم وجود داشت که از قدیم الایام بود و آن طرز تفکر روشنفکران لیبرال منهای دین بود. این تقسیم‌بندی جریانات روشنفکری

۱- محکومیت شاگردان بازرگان و تعطیلی نهضت آزادی، نشریه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی پیش‌مید، ش ۱۰، شهریور ۸۱

ص ۳۰

۲- همان، ص ۳۱

در ایران با تقسیم‌بندی که در ابتدای بحث آمده است منافاتی نداشته بلکه به طور سلیقه‌ای اعمال شده‌اند و در کلیات مشترکاتی دارند. و آن چه که این رساله به دنبال جریان‌شناسی آن برآمده جریانی از روشنفکری دینی است که جریان غالب بوده و براساس تحلیل‌های زمان خویش به نسبت‌سنجی رابطه دین و سیاست می‌پردازد و این جریان در بعد از انقلاب جریانی است موسوم به جریان سکولاریزم اسلامی.

جریان مربوط به مهندس بازرگان به عنوان روشنفکر دینی کوشش می‌کرد که در اسلام یا به تعبیر دقیق‌تر، در کتاب و سنت، یک ایدئولوژی برای زندگی اجتماعی و سیاسی پیدا کند. این جریان معتقد بود چنین ایدئولوژی‌ای در کتاب و سنت وجود دارد و این ایدئولوژی با مفهوم آزادی در شکل مدرنیته‌ای آن سازگار و منطبق است، یعنی آن طور که آزادی را در مدرنیته می‌فهمند کتاب و سنت هم به عبارتی همین آزادی را بیان می‌کند. روش آنها این بود که چنین ایدئولوژی‌ای از کتاب و سنت به دست آوردند زیرا معتقد بودند چنین ایدئولوژی‌ای، در کتاب و سنت وجود دارد، کتاب «بعثت و ایدئولوژی» مهندس بازرگان، می‌کوشد بیان کند آنچه در ایدئولوژی‌های امروز هست در کتاب و سنت به نحوی وجود دارد. این یعنی پیوند دین و سیاست. کاری که در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روشنفکر دینی با اقبال از مباحثی چون هرمنوتیک - گفتمان، پلورالیزم، سکولاریزم، علمانیت، اباحی‌گری، عرفی شدن و ... سعی در تفکیک دو حوزه دینی و سیاسی از یکدیگر برآمد. و به شدت به دنبال دین حداقل و کم رنگ کردن حضور و نفوذ دین در عرصه مباحث عقلانی و اجتماعیات برآمد. روشنفکر دینی همان طور که در فصول بعد مستنداً بدان پرداخته خواهد شد. نقش دین در عصر مدرنیته را حداقل دیده و ناکارآمدی آن را در عرصه‌های تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی به مخاطب خود القاء می‌کند. مسلماً چرخش نخبگان روشنفکری دینی در ایران از اسلامی‌گرایی به سمت سکولاریزم اسلامی در آثار و رفتار اجتماعی ایشان مشهود و غیرقابل انکار است و علت یا علل این انصراف از نظریه اولیه به سمت نظریه جدید بحث‌های مفصل کارشناسانه‌ای را می‌طلبد.

۲) دلیل انتخاب موضوع

علل انتخاب موضوع علاوه بر علاقه شخصی، عدم وجود متن مدونی در تبیین و چرایی چرخش تئوریک در اندیشه روشنفکری دینی ایران معاصر نسبت به دین و سیاست

بوده است.

و علت دیگر این که مشخص گردد به لحاظ جامعه‌شناسی معرفت چه پارامترهایی دخیل بوده‌اند که سبب شده‌اند، جریان غالب روشنفکری دینی در ایران معاصر، قبل از پیروزی انقلاب به شدت در پی اسلامیزه کردن سیاست برآیند. و به لحاظ جامعه‌شناسی چه عامل یا عواملی سبب تغییر در مبانی تئوریک برخی از روشنفکران دینی پس از دهه دوم انقلاب اسلامی گردیده است.

(۳) نقد متون

در بررسی منابع موجود در حوزه «روشنفکری» و روشنفکری دینی. کتب و مقالات بسیاری به چاپ رسیده است و نیز در رابطه با روشنفکری دینی معاصر ایران کتبی وجود دارد، ولی هیچ یک از آنها به طور خاص به تبیین چرایی چرخش نخبگان و جریان روشنفکری دینی معاصر ایران در رابطه با نسبت دین و سیاست در قبل و بعد از تجربه حکومت دینی و انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. برای مثال کتاب «روشنفکران دینی و مدرنیته» از مسعود پدram بیشتر به مباحث روشنفکری دینی در ایران پس از انقلاب پرداخته و نسبت روشنفکری را با جریان مدرنیته و غرب به بررسی پرداخته است. مباحث کتاب مواضع نظری گوناگون نظریه پردازان مدرن در غرب و اندیشمندان اسلامی در شرق را نسبت به مدرنیته مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. البته در جاهایی به بیان توصیفی از نظرات جدایی طلبانه روشنفکران دینی ایران پس از انقلاب اشاره‌هایی می‌کند ولی در صدد تبیین آن برنمی‌آید.

کتاب دیگری که به بررسی نقش روشنفکری دینی می‌پردازد و رابطه دین و توسعه فرهنگی - سیاسی و اقتصادی را مد نظر دارد کتاب دین و توسعه از دکتر محمد منصورنژاد می‌باشد که محور اصلی کتاب حول توسعه در ابعاد مختلف اقتصاد - سیاست و فرهنگ پرداخته و تنها در بخش چهارم کتاب به رابطه دین و توسعه از نگاه دینی و فهم‌های مختلف از دین می‌پردازد. و صرفاً به نقل قول‌های اندیشمندان و روشنفکران دینی در رابطه با نسبت دین و توسعه می‌پردازد. و هم‌چنان از پرداختن به موضوع روشنفکری دینی در رابطه با پیوند دین و سیاست به طور خاص اجتناب کرده است.

کتاب‌های دیگر هم چون، روشنفکران، احزاب و منافع ملی (مسعود رضوی) -

روشنفکری، دینداری، مردم سالاری (علوی تبار) هرمنوتیک - کتاب، سنت (مجتهد شبستری) - و نمونه‌های دیگر از کتب روشنفکری دینی در ایران معاصر به ابعاد مختلف بحث‌های روشنفکری پرداخته‌اند، ولی این که در مقام تبیین چرخش روشنفکری دینی ایران معاصر به طور خاص برآیند چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. و غالب آثار به نقل قول‌های اشخاص در رابطه با نسبت دین و سیاست پرداخته‌اند و از این رو، به نظر می‌رسد موضوع تحقیق حاضر از بداعت برخوردار بوده و فاقد پیشینه مطالعاتی زیاد است.

۴) سؤال اصلی تحقیق

مهم‌ترین عامل چرخش جریان روشنفکری دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اسلام‌گرایی به سمت سکولاریزم چیست؟

۵) سؤالات فرعی

- ۱- روشنفکری دینی چیست و شاخصه‌های آن کدامند؟
- ۲- دیدگاه روشنفکران دینی نسبت به رابطه دین و سیاست قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چه بوده است؟
- ۳- دیدگاه روشنفکران دینی نسبت به رابطه دین و سیاست بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه می‌شود؟
- ۴- چه ارتباطی میان چرخش تئوریک در نظریه روشنفکران دینی و تجربه حکومت دینی وجود دارد؟

۶) مفروضات پژوهش

- ۱) جریان عمده روشنفکری دینی قبل از انقلاب در ایران معاصر به دنبال پیوند دین و سیاست بوده است.
- ۲) چرخش در نظریه پیوند دین و سیاست توسط برخی از روشنفکران دینی پس از انقلاب رخ داده است و به سمت سکولاریزه شدن گام برداشته است.

۷) فرضیه اصلی پژوهش

عوامل مختلف سبب تغییر موضع جریان روشنفکری دینی از مبانی اولیه تئوریک نزد

ایشان می‌باشد که عبارتند از:

۱- ورود مفاهیم کلام جدید هم چون هرمنیوتیک، پلورالیسم، سکولاریسم در عرصه علوم اجتماعی.

۲- ارائه اسلام سیاسی و ایدئولوژیک و برداشت‌های علمی از دین و ابتناء حداکثری دو عنصر عقلانیت در پروسه دینی.

۳- بروز نامالیزمات در برخورد روشنفکری با ساختارهای سیاسی موجود و عدم سنخیت در پاره‌ای از عقاید و بروز سلاقی بعضاً متضاد در ارائه نظریه‌های سیاسی - اجتماعی از سوی روشنفکری دینی.

۱) مفاهیم

۱) سکولار:

در لغت: «دنیوی، مادی، غیر مذهبی، طرفدار دنیوی شدن امور و آن چه به این جهان تعلق دارد. و به همان اندازه از خداوند، الوهیت و معنویت دور است.»

در اصطلاح: سکولار وصف است و کاربردی صفتی دارد؛ انسان، جامعه، فرهنگ، حکومت، علم و غیره به آن توصیف می‌شود مانند انسان سکولار، جامعه سکولار و حکومت سکولار.

۲) سکولاریسم:

در لغت: «نادین محوری» «نادین مداری» و «نادین باور» «دنیا زدگی» و «اعتقاد به این که قوانین آموزشی و سایر امور اجتماعی به جای آن که بر مذهب مبتنی گردد بر داده‌های علمی بنا شود.»

در اصطلاح: گرایشی که طرفدار و مروج حذف، یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی از قبیل سیاست، حکومت، علم، عقلانیت، اخلاق و ... است.

۳) سکولاریزاسیون:

فرایند، عمل، یا جریانی است که در طی آن شؤونات سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه دیانت‌زدایی و قداست‌زدایی می‌شوند و در این فرآیند مظاهر دینی در جامعه کم‌رنگ و به تدریج حذف یا کاهش می‌یابد و بدون حضور دین به تدبیر امور پرداخته می‌شود. در

فارسی به «عرفی شدن»، «دنیوی شدن»، «قداست‌زدایی» و «جدا انگاری دین و دنیا» به کار رفته است.^۱

۴) اسلام سیاسی:

جنبه‌ای از اسلام که سعی دارد با ایدئولوژیک کردن دین و ترسیم نظام بایدها و نبایدها به تعریف و یا باز تعریف الگوهای اجتماعی پردازد، حضور و ظهور دین را به طور حداکثری در عرصه تعاملات اجتماعی ترویج داده، در مواجهه با مسائل روز و در پیوند با مدرنیته پاسخگو باشد.

۵) اسلام سکولار:

آن‌تعبیر و جنبه‌ای از اسلام که به دنبال ایدئولوژیک‌زدایی از دین و کوچک کردن عرصه دخالت‌های دین در اجتماعات بوده و در صدد اثبات صامت بودن و کلی بودن دین، رازآلود و رمزآلود بودن آن، با اتکاء به متون دینی است. اسلام سکولار در رابطه با نسبییت دین و سیاست قائل به تفکیک و جدایی این دو عرصه از یکدیگر است.

۶) روشنفکری دینی:

روشنفکری دینی، جریانی است پویا، پرنشاط، که از حدود صد سال پیش آغاز شده است و دائماً در حرکت و تکاپو است و می‌توان گفت آن چه که بر این جریان تأثیر گذاشته است سه عنصر بوده است:

۱- پرسش‌های نظری زمانه ۲- مشکلات علمی، یعنی مسائلی که در پس زندگی اجتماعی به وجود می‌آید. ۳- دانش‌ها و معرفت‌های عصری مردم.

متغیر مستقل در این تحقیق شامل ۱- عدم هماهنگی برداشت آرمان‌گرایانه روشنفکران دینی از حکومت دینی با تجربه حکومتی دینی در ایران ۲- آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های جدید از قبیل کلام جدید هرمنوتیک و ... ۳- ارائه برداشتی علمی از دین. متغیر وابسته: چرخش روشنفکری دینی می‌باشد.

۹) روش تحقیق (Research Methode)

روش تحقیق به معنای سطح تحلیل در این پایان‌نامه به شیوه توصیفی - تحلیلی است.

^۱ - <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

و در ارتباط با گردآوری اطلاعات یا داده‌ها در این رساله از فن کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد.

۱۰ سازماندهی تحقیق (Organization Of Research)

در فصل اول به تعریف روشنفکری دینی و شاخص‌های آن می‌پردازیم زیرا ضرورت ورود به بحث چرخش شناخت روشنفکری می‌باشد.

در فصل دوم به رابطه دین و سیاست از منظر روشنفکران دینی قبل از انقلاب پرداخته می‌شود تا به ادله و آراء اسلام‌گرایانه نزد ایشان به طور مستدل و مبسوط رسیدگی شود و اثبات گردد که اسلام ایدئولوژیک را خواهان بوده‌اند.

در فصل سوم که به رابطه دین و سیاست از دیدگاه روشنفکران دینی در بعد از تجربه حکومت دینی و انقلاب اسلامی در ایران پرداخته می‌شود، و این که جریان عمده روشنفکری به دنبال استنباط سکولار بودن دین و عدم سنخیت دین و سیاست (از خود دین و متون دینی) بوده‌اند. و اصولاً دین حرفی برای اجتماعیات ندارد و نباید از دین توقع جوابگویی در تمامی عرصه‌های اجتماعی را داشت.

در فصل چهارم و نهایی به چرخش تئوریک روشنفکری دینی به طور خلاصه و نتیجه‌گیری می‌رسیم که اصولاً ادله این چرخش از مبانی تئوریک چه بوده و یا می‌توانند باشند.

حداکثری در عرصه تعاملات اجتماعی تروج داده، در مواجهه با مسائل روز و در پیوند با مدرنیته پاسخگو باشد.

(۵) اسلام سکولار:

آن تعبیر و جنبه‌ای از اسلام که به دنبال ایدئولوژیک‌زدایی از دین و کوچک کردن عرصه دخالت‌های دین در اجتماعات بوده و در صدد اثبات صامت بودن و کلی بودن دین، رازآلود و رمزآلود بودن آن، با اتکاء به متون دینی است. اسلام سکولار در رابطه با نسبییت دین و سیاست قائل به تفکیک و جدایی این دو عرصه از یکدیگر است.

(۶) روشنفکری دینی:

روشنفکری دینی، جریانی است پویا، پرنشاط، که از حدود صد سال پیش آغاز شده است و دائماً در حرکت و تکاپو است و می‌توان گفت آن چه که بر این جریان تأثیر گذاشته است سه عنصر بوده است:

۱- پرسش‌های نظری زمانه ۲- مشکلات علمی، یعنی مسائلی که در پس زندگی اجتماعی به وجود می‌آید. ۳- دانش‌ها و معرفت‌های عصری مردم.
متغیر مستقل در این تحقیق شامل ۱- عدم هماهنگی برداشت آرمان‌گرایانه روشنفکران دینی از حکومت دینی با تجربه حکومتی دینی در ایران ۲- آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های جدید از قبیل کلام جدید هرمنوتیک و ... ۳- ارائه برداشتی علمی از دین.
متغیر وابسته: چرخش روشنفکری دینی می‌باشد.

(۹) روش تحقیق (Research Methode)

روش تحقیق به معنای سطح تحلیل در این پایان‌نامه به شیوه توصیفی - تحلیلی است، و در ارتباط با گردآوری اطلاعات یا داده‌ها در این رساله از فن کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد.

(۱۰) سازماندهی تحقیق (Organization Of Research)

در فصل اول به تعریف روشنفکری دینی و شاخص‌های آن می‌پردازیم زیرا ضرورت ورود به بحث چرخش شناخت روشنفکری می‌باشد.

در فصل دوم به رابطه دین و سیاست از منظر روشنفکران دینی قبل از انقلاب پرداخته